



حیا نشانه ای برای تمایز انسان از حیوان/ حیا خجالت و کم رویی نیست!

حیا امری فطری است که انسان نمی خواند زشتی های وجودش را دیگران ببینند و اگر عیوبش بر دیگران آشکار گردد، حالت خجالت به وی دست می دهد. این حالت ناراحت کننده، همان حیا است.

خبرگزاری مهر- حیا امری فطری است که انسان نمی خواند زشتی های وجودش را دیگران ببینند و اگر عیوبش بر دیگران آشکار گردد، حالت خجالت به وی دست می دهد. این حالت ناراحت کننده، همان حیا است.

درباره حیا و مصادیق و آثار آن، مضامین مختلفی در قرآن کریم آمده است از باب مثال کلمه "استحیاء" در داستان حضرت موسی (ع) و دختران شعیب آمده است. همچنین روایات بسیاری درباره اهمیت حیا و فضایل آن، مخصوصا برای خانم ها وارد شده که جای تامل و دقت فراوان دارد.

مضمون بعضی از این روایات این است که "حیا" و "ایمان" با یکدیگر تلازم دارند؛ به این معنا که اگر حیا از انسان سلب شود، ایمان هم از بین خواهد رفت. در برخی دیگر از روایات به این نکته اشاره شده که کار انسان بی حیا به آن جا می کشد که ربقه (حکم) اسلام از گردنش برداشته می شود.

همچنین روایاتی به این مضمون داریم که اگر اراده خداوند بر این قرار بگیرد که کسی یا قومی را هلاک کند، یعنی به خاطر اعمال بدشان بخواهد آنها را مواخذه نماید، حیا را از ایشان می گیرد. حیا اگر از انسان گرفته شد، دیگر حیات حقیقی برای وی مفهومی نخواهد داشت.

متأسفانه گاهی از این مسئله سوء برداشت می شود و برخی حیا را با هر نوع خجالت کشیدن مساوی می گیرند. بر این اساس، چنین نتیجه گیری می کنند که چون خجالت کشیدن موجب سلب اعتماد به نفس می گردد و افراد خجالتی معمولا موفقیتی در اجتماع ندارند. پس نباید زیاد روی مسئله حیا تاکید کرد. این سوء برداشت از آنجا ناشی می شود که مفهوم حیایی که مورد تاکید نظام ارزشی اسلام می باشد به درستی تبیین نگردیده است. چطور ممکن است که حیا با آن ارزش بالایی که دارد آنقدر تنزل پیدا کند که با کم رویی و خجالت کشیدن بی جا مساوی تلقی شود؟! برای این که مطلب روشن شود باید دقتی در خود این مفهوم داشته باشیم؛ یعنی صرف نظر از جنبه اخلاقی، آن را به عنوان یک پدیده روان شناختی مورد مطالعه قرار دهیم.

"حیا" در روان شناسی به عنوان یکی از انفعالات روانی معرفی می شود یکی از ویژگی های کلی حالات روانی این است که با هیچ تعریف خاصی نمی توان آنها را به کسی که فاقد آنهاست، شناساند. برای مثال، ما نمی توانیم به کسی که هنوز برایش حالت تعجب پیش نیامده، بفهمانید تعجب به چه معناست. مفهوم عشق نیز از همین مقوله است؛ یعنی تا انسان مزه آن را نچشیده باشد نمی تواند حقیقت آن را درک کند. بنابراین، با صرف تعریف از این گونه مفاهیم، نمی توان به حقیقت آن حالات روحی پی برد. حیا هم چنین خصوصیتی دارد، منتها چون برای همه انسان ها کما بیش این حالت پیش می آید، می توانند آن را درک کنند.

امام صادق (ع) می فرمایند: "آن خصلتی که خداوند ویژه انسان ها قرار داده و حیوانات از آن محرومند، حیا است". برکات بسیاری بر حیا مترتب است. اگر کسی که این خصلت را نداشته باشد، به هیچ اصل اخلاقی پایبند نمی شود؛ به تعهدات خود عمل نمی کند امانت ها را به صاحبانشان بر نمی گرداند، دروغ می گوید و به تدریج به همه صفات پست آلوده می شود.

آنچه موجب می شود مردم از بسیاری از رذایل اخلاقی مصون بمانند حیا است. در مورد منشا به وجود آمدن حیا در انسان باید بگوییم دو چیز منشا آن می شود: یک تمایل انسان به بی عیب و نقص بودن و یکی هم علاقه به پوشاندن عیوب احتمالی خود از دیگران. انسان هنگامی از چیزی خجالت می کشد که بداند عیبی از او ظاهر شده و دیگری نسبت به آن آگاهی پیدا کرده است. اگر از انسان رفتار زشتی سر بزند که دیگران بفهمند؛ یعنی عیب زشتی که در وجودش نهفته است بر دیگران ظاهر شود، حالتی به وی دست می دهد که همان خجالت کشیدن است. این حالت، حالت مطلوبی برای انسان نیست بلکه حالتی رنج آور و ناراحت کننده است. فایده این کار این است که انسان برای جلوگیری از بروز چنین حالتی، سعی می کند کار زشتی مرتکب نشود تا مبادا در نزد دیگران عیوبش آشکار گردد و موجب خجالت و سرافکنندگی اش شود.

انسان فطرتا به گونه ای آفریده شده که اگر متوجه شود عیوبش بر دیگران ظاهر شده و یا احتمال بدهد که ممکن است دیگران به

عیوب وی پی ببرند، ناراحت می شود و در صدد بر می آید تا عیب خود را بیوشاند. این حالت، در اصطلاح منطق از اعراض خاص انسان است که انسان را از حیوان متمایز می سازد.

بنابراین، معلوم می شود که حیا امری فطری است که انسان نمی خواند زشتی های وجودش را دیگران ببینند و اگر عیوبش بر دیگران آشکار گردد، حالت خجالت به وی دست می دهد. این حالت ناراحت کننده، همان حیا است.

یکی از اوصاف حضرت آدم و سایر انبیاء و اوصیا این بوده که حیای زیادی داشتند. اگر خداوند حب نفس و حب کرامت نفس را در وجود انسان قرار نداده بود، چه بسا هیچ گاه انسان دنبال کسب کمالات و فضایل اخلاقی نمی رفت